

اصطلاحات مربوط به گیوه و گیوه‌دوزی در آباده*

محمدامین صراحی (استادیار زبان‌شناسی دانشگاه گیلان)

۱. مقدمه

شهرستان آباده در شمال استان فارس با مرکزیت شهر آباده قرار دارد. این شهرستان از شرق به شهرستان ابرکوه در استان یزد، از جنوب به شهرستان خرمبید، از غرب به شهرستان اقلید و سمیرم و از شمال به استان اصفهان متصل است. فاصله مرکز شهرستان تا شیراز ۲۷۵ کیلومتر است و در فاصله ۲۰۰ کیلومتری جنوب مرکز استان اصفهان قرار دارد. این شهرستان در محدوده جغرافیائی ۵۱ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی و ۲۱ درجه و ۴۶ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است.

شهر آباده از شهرهای فرهنگی و سیاحتی شمال استان فارس است. از نظر اقلیمی از شهرستان‌های سردسیر و معتدل استان به‌شمار می‌آید و این امر در ساختار معماری سنتی و لباس‌های محلی این منطقه قابل تأمل است. صنایع دستی آباده نظیر قالی، منبت‌کاری،

* نویسنده این مقاله بر خود واجب می‌داند از دو هنرمند و استاد گران‌قدر گیوه‌دوزی شهرستان آباده، استاد شیوه‌کش یزدانخس همت‌مکان و فرهنگی برجسته، استاد گیوه‌دوز علی‌اکبر عسگری که وقت گران‌بهای خود را در اختیار اینجانب قرار دادند و با سعه صدر و حوصله فراوان تمام اطلاعات مربوط به شیوه‌کشی و گیوه‌دوزی خود را انتقال دادند تشکر و قدردانی کند.

گیوه‌دوزی از شهرت جهانی برخوردار است. خوشبختانه در سال‌های اخیر جوانان و نوجوانان این شهرستان علاقه زیادی به هنر منبت‌کاری از خود نشان می‌دهند.

ملکی و گیوه‌های آباده نیز در نهایت ظرافت و استحکام تهیه می‌شده و در نوع خود بی‌نظیر بوده است. بر اساس گزارش کمیسیون ملی یونسکو در ایران (ایران‌شهر، جلد دوم، ۱۸۱۳)، دهه‌های ۱۳۲۰ تا تقریباً اوایل دهه ۱۳۴۰ را می‌توان اوج رونق و شکوفایی این هنر در مناطقی مانند اصفهان، کرمانشاه، آباده و شهرهای دیگری که در این زمینه فعالیت می‌کردند دانست، به‌صورتی که بر اساس همین گزارش، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ بیش از پنجاه کارگاه فعال ملکی یا گیوه‌دوزی با تولید سالانه بیش از ۲۵۰۰۰ جفت گیوه در شهر آباده مشغول به فعالیت بوده‌اند. اما در سال‌های اخیر، این صنعت ظریف به دلایل متعددی از جمله آیین‌نامه‌های مربوط به لباس و کفش کارمندان دولت در دهه ۱۳۳۰ که به موجب آن کفش چرمی به‌عنوان کفش رسمی اداری توصیه می‌شود و نیز تأسیس کارخانه‌های صنعتی کفش، مانند کفش ملی، وین و بلا که کفش‌های چرمی را با قیمتی بسیار ارزان‌تر از گیوه در اختیار مردم قرار می‌دادند (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، نک: صداقت‌کیش ۱۳۶۵)، به‌تدریج این پای‌افزار سنتی ایرانیان که بیش از هزار سال سابقه دارد با کاهش خریداران روبه‌رو شد (سرلک ۱۳۷۷). در نتیجه کارگاه‌های گیوه‌دوزی نیز یکی پس از دیگری تعطیل شدند و شوربختانه در زمان انجام این تحقیق (بهار ۱۳۹۶)، در شهرستان آباده تنها یک استاد شیوه‌کش و دو استاد گیوه‌دوز باقی مانده‌اند و علی‌رغم اینکه از سن بازنشستگی ایشان نیز سال‌ها گذشته است هنوز به برپا داشتن این هنر و پیشه مشغول‌اند.

به‌دلیل رکودی که این هنر و صنعت سنتی با آن روبه‌رو است و چه بسا با مرگ این هنر واژگان مربوط به آن نیز به ورطه فراموشی سپرده شود، هدف از انجام این تحقیق گردآوری واژه‌ها و اصطلاحاتی است که درباره گیوه و گیوه‌دوزی در شهرستان آباده استفاده می‌شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌های این تحقیق، مصاحبه‌های شفاهی با این استادان ضبط شدند و سپس اصطلاحات مرسوم و توضیحات آنها استخراج شدند. برای راحتی تلفظ، آوانگاری این اصطلاحات نیز بر اساس گونه زبانی آباده‌ای ارائه می‌شوند.

۲. اصطلاحات مربوط به گیوه و گیوه‌دوزی

ملکی /maleki/: یا گیوه از سه قسمت رویه، کمر و تخت گیوه ساخته می‌شود (نک: سرلک ۱۳۷۷؛ نیکویی و همکاران ۱۳۹۴)، به همین دلیل در کار ساخت گیوه یا ملکی سه استاد روارچین /ruwâr-čîn/، شیوه‌کش /šive keš/ و گیوه‌دوز به‌صورت جداگانه و مستقل از یکدیگر کار می‌کنند.

الف) رویه گیوه

رووار /ruwâr/، ریوار /riwâr/، رووه /ruwe/: رویه گیوه، معمولاً از نخ پنبه‌ای بسیار تابیده‌شده، نخ ابریشمی یا نخ پلاستیکی بافته می‌شود، شکلی ذوزنقه‌ای و بین هجده تا بیست سانتی‌متر طول دارد. پس از اتمام، کنار رووار بین هفت تا ده سانتی‌متر برای پشت و پاشنه بافته می‌شود تا دو طرف رووار به یکدیگر متصل شوند. رووار اغلب دارای نقش‌های هندسی و ظریفی است. از آنجاکه گیوه چپ و راست ندارد، جفت رووار شبیه و اندازه هم بافته می‌شوند.

انواع رویه:

۱) قلبی: از نخ پلاستیک و ابریشمی دوخته می‌شود؛ ۲) سوزنی: الف) بی‌پاشنه: بغلک پاشنه نمی‌خورد و روی خود رووار هم دارای نقش‌هایی است که به آن پنجره /penjere/ گفته می‌شود. ب) پاشنه‌دار: دارای بغلک و پاشنه است.

پیش‌پنجه /piš-penje/: قطعه‌ای ذوزنقه‌ای شکلی است که روی رووه قرار می‌گیرد و طبق سنت روی آن هم با سه لوزی نقش می‌اندازند. این بافت مشبک نقش‌پردازی‌شده یا همان پیش‌پنجه برای مقاومت بیشتر و زیبایی رووار استفاده می‌شود.

رووار چیدن /ruwâr čidan/: به عمل بافتن رووار با استفاده از نخ پنبه‌ای یا ابریشمی و قلاب روواردوزی یا رووار چیدن می‌گویند.

رووارچین /ruwâr-čîn/: به کسی که عمل بافتن رووار را انجام می‌دهد رووارچین می‌گویند.

رووارچین‌ها معمولاً بانوان خانه‌داری هستند که کنار انجام وظایف خانه رووارچینی نیز انجام می‌دهند.

رووار شستن /*ruwâr šustan*/: برای تمیز کردن رووار آن را سه بار در آب جوش و پودر لباس‌شویی و بعد از آن با آب سرد می‌شویند و در آفتاب نگه می‌دارند تا دوم (دارای نم کم) شود و برای کوبیدن آماده شود.

ب) تخت گیوه

شیوه /*šive*/: به تخت سنتی کف گیوه یا ملکی که از جنس پارچه و کتان است و نوارهایی چرمی برای استحکام در وسط آن به‌کار می‌رود شیوه می‌گویند. ساختن شیوه نیاز به مهارت بسیار بالایی دارد.

شیوه‌کشی /*šive-keši*/ یا تخت‌کشی. برای درست کردن کف گیوه، استاد شیوه‌کش ۱۵۰ جفت تکه پارچه را به قطعات کوچک مساوی می‌چیند که به این عمل شرمه‌شمره کردن /*šerme-šerme kardan*/ نیز می‌گویند. این قطعات پارچه نسبت به نوع گیوه بین سه تا هشت سانتی‌متر عرض و ده تا پانزده سانتی‌متر طول دارند. هر یک از این قطعات را به‌صورت منظم چهارتا می‌کنند و بر روی سندان با مشته می‌کوبند تا کاملاً فشرده شوند. سپس این قطعات کوچک پارچه را که به آنها دنده /*dande*/ می‌گویند در سه قسمت ۵۰ جفتی کنار یکدیگر قرار می‌دهند. سپس این سه قسمت را کنار یکدیگر قرار داده و با دروش /*derowš*/ ویژه‌ای که بلندتر از دروش‌های دوخت‌ودوز است و فقط برای سوراخ کردن به‌کار برده می‌شود و همیشه در منقلی از آتش گرم نگه داشته می‌شود، شش سوراخ در طول پارچه ایجاد می‌کنند. از وسط این سوراخ‌ها دوال /*duwal*/ که تسمه نازکی از جنس چرم است گذارنده می‌شود تا باعث استحکام و قدرت شیوه گردد. برای اینکه دنده‌ها از هم فاصله نگیرند، به‌وسیله نخ ضخیم و چندلایی دور شیوه یا تخت گیوه را پرک می‌زنند. سپس با کاردی فلزی به نام شفره اطراف آن را می‌برند تا به‌شکل کف پا در بیاید. در انتها، برای استحکام بیشتر محلول

حاوی کتیرا را روی شیوه می‌مالند تا علاوه بر استحکام بخشیدن، شیوه را براق‌تر و زیباتر نیز کند.

شیوه‌کش /šive-keš/: به استادی که تخت گیوه را می‌سازد شیوه‌کش می‌گویند.
پرک /parak/: نخعی است چندلایه از جنس موی بز که برای محکم کردن و ثابت نگاه داشتن دنده‌ها در حاشیه شیوه دوخته می‌شود.
پرک توویدن /parek towidan/، پرک زدن /parek zadan/: به عمل دوختن پرک گفته می‌شود.

گنه /gene/ یا دنده /dande/: به هر لایه‌ای از پارچه که در شیوه به‌کار برده می‌شود گنه یا دنده می‌گویند.

ابزارهایی که در شیوه‌کشی استفاده می‌شوند عبارت‌اند از:
بلددروش /balad-derowš/: برای ایجاد جای میخ در درون شیوه استفاده می‌شود.
بلدپس‌ویش /balad-pas-o piš/: برای سوراخ کردن چرم استفاده می‌شود.
شفره /šefre/: برای دورچینی شیوه و خرد کردن و بریدن چرم استفاده می‌شود.
پلیس /pelis/: ابزاری فلزی با نوکی چاقوماند و تیز است که برای تراشیدن موی چرم و عملی شبیه دباغی استفاده می‌شود.

چوق دوال‌کش /ču:γ-e duwâl-keš/: تکه چوبی به عرض حدود دو سانتی‌متر و طول حدود پانزده سانتی‌متر است که هنگام اتصال دنده‌های شیوه با دوال استفاده می‌شود. چرم نوارمانند دوال را یکی دو بار دور آن می‌پیچیند تا بدین‌وسیله بتوان هم چرم را راحت‌تر کشید و هم اینکه به دست آسیبی نرسد.

مشته /mošte/: وسیله‌ای است فلزی و نسبتاً سنگین مانند دسته‌هاون ولی کوتاه‌تر که برای کوبیدن دنده‌ها و چرم استفاده می‌شود. احتمالاً چون در مشت جا می‌گرفته است به آن مشته می‌گویند.

مشته‌اسوکاری /mošte-ye osso-kâri/: مشته‌ای سنگین‌تر از مشته معمولی است که برای راست کردن و مرتب کردن دنده‌هایی که با دوال به یکدیگر پیوند خورده‌اند استفاده می‌شود.

کتیرا /katirâ/: صمغی طبیعی است که از خراش دادن ساقه و تنه گیاه گیون به دست می‌آید و برای صاف و براق کردن پشت شیوه استفاده می‌شود.

صیقال /seyqâl/: وسیله است فلزی و سوهان‌مانند که برای صیقل دادن رویه کف به کار می‌رود.

دوال‌گیر /duwâl-gir/: میخی است که هنگام دواندن و محکم کردن دوال در میان دنده‌ها در چرم دوال می‌زنند تا مانع از حرکت آن شود.

ج) گیوه‌دوزی

استاد گیوه‌دوز رووار بافته‌شده را با استادی و هنر تمام به شیوه می‌دوزد. نتیجه کار استاد گیوه‌دوز، دو نوع گیوه پیش‌باریک یا سمبوسه‌ای و گیوه پیش‌پهن است. اصطلاحاتی که مربوط به حوزه کار استاد گیوه‌دوز است عبارت‌اند از:

کوک /ku:k/: گرهی که با نخ زده می‌شود و چرم کمر را به کف گیوه متصل می‌کند.
کمر /kamar/: به قسمت ضخیم چرم دباغی شده گفته می‌شود که دور گیوه دوخته می‌شود و رویه را به تخت متصل می‌کند.

دوکمره /do-kamare/: لایه چرم نازک‌تری است که روی کمر را می‌پوشاند.
ته‌دوزی /ta-duzi/: به عمل دوختن کمر و دوکمره به تخت گیوه ته‌دوزی می‌گویند.
برشت /borešt/: بریدن، صاف کردن چرم و آماده کردن برای ریب‌دوزی را برشت زدن می‌گویند.

ریب‌دوزی /rib-du:zi/: به عمل متصل کردن رووار به تخت گیوه گفته می‌شود. در ریب‌دوزی، اول دو طرف جلو رووار دوخته می‌شود. سپس دوختن از پشت گیوه به دو طرف شروع می‌شود که شامل دوختن پاشنه و بغلک‌دوزی است.

پینه‌دوزی /pine-duzi/: کهنه‌کاری و تعمیر و رفوی گیوه را پینه‌دوزی می‌گویند.
پیشه /piše/: به تکه چرم برآمده، چندلایه و دواری گفته می‌شود که جلوی شیوه قرار دارد.
پسه /pase/: به تکه چرم برآمده، چندلایه و دواری گفته می‌شود که در قسمت پشت و عقب

شیوه قرار دارد.

دوال /*duwâl*/: به نوار چرمی باریک ولی محکمی گفته می‌شود که در سطح طولی شیوه از وسط شیوه در شش ردیف رد می‌شود.
در ساختن گیوه یا ملکی از چرم گاو یا شتر استفاده می‌شود که از استحکام بیشتری نسبت به چرم سایر حیوانات برخوردار است.
بغلک /*bayalek*/: حاشیه چرمی مثلثی‌شکلی است که از وسط گیوه تا انتها کشیده می‌شود.

انواع پاشنه:

الف) پاشنه قرمز: پاشنه چرمی از جنس چرم قرمز که نسبت به انواع دیگر پاشنه‌ها از زیبایی و مقاومت بیشتری برخوردار است؛ ب) پاشنه سفید: پاشنه چرمی از جنس چرم سفید؛ ج) پاشنه گوی /*gowi*/: در بعضی گیوه‌ها، بغلک حذف می‌شود و این پاشنه به صورت یک تکه کار بغلک و پاشنه را با هم انجام می‌دهد.
چش‌بلبلی /*česh-bolboli*/: به چرم پاشنه گفته می‌شود که بر اثر نوعی خاص از دوختن به شکل چشم بلبل درمی‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وسایل کار استاد گیوه‌دوز (ملکی دوز): جامع علوم انسانی

چاقو /*čâqu*/: برای بریدن چرم.
جریده /*jaride*/: تخته‌ای است که وسطش بریده شده و به‌عنوان گیره عمل می‌کند تا بتوانند پاشنه را بدوزند.

گرزن /*garzan*/ یا سفره /*šefre*/: آهن خشکی است که یک سر آن تیز است و برای بریدن چرم ضخیم استفاده می‌شود.

کژکارت /*kaž-kârt*/: کارد کج؛ وسیله‌ای کاردمانند و کج است که برای تراشیدن رویه کثیف چرم به‌کار می‌رود.

کمرتراشی /*kamar-tarâši*/: قطعه‌چرمی است که از دو طرف با یک نخ بلند به هم متصل می‌شود و روی زانوی گیوه‌دوز قرار می‌گیرد تا در هنگام تراشیدن چرم آسیبی به پای گیوه‌دوز نرسد.

تخته /*taxte*/: تخته‌ای است که برای بریدن چرم به صورت شرفه به منظور درست کردن کمر استفاده می‌شود.

دروش /*derowš*/: تکه آهن نازک نوک‌تیزی با دسته چوبی است که برای سوراخ کردن چرم به کار می‌رود و دارای انواع متفاوتی است:

(۱) فلاپ /*qollâb*/: برای دوختن کمر به کف استفاده می‌شود.

(۲) راسه /*râsse*/: برای سوراخ کردن کف، و چرم‌های کمر و دوکمره استفاده می‌شود.

(۳) خط‌کش /*xat-keš*/: مثل پرانتزی است که سطح مقطع آن مثلثی است و برای الگو درآوردن پاشنه به کار می‌رود.

سیزن /*sizan*/: سوزنی که برای دوختن از آن استفاده می‌شود. سوزن مورد استفاده سوزنی بلند با نوکی گرد و صاف است و انتهای آن سوراخی گرد و نسبتاً گشاد دارد.

دلیل کردن /*dalil kardan*/: نخ نازکی است که از سوراخ سیزن رد می‌شود و بدون هیچ گرهی به دور نخ اصلی پیچیده می‌شود تا عمل دوختن را راحت‌تر کند. با دلیل کردن عمل تعویض نخ نیز سریع‌تر انجام می‌شود.

مشته /*mošte*/: وسیله‌ای آهنی مانند هاون است، البته پهن‌تر و کوتاه‌تر. بعد از اتمام ته‌دوزی، گیوه با آب خیس می‌شود و برای انسجام بیشتر با مشته کوبیده می‌شود.

خل /*xol*/: تکه چوبی مخروطی شکل است که برای باز کردن جلوی گیوه و دهنه گیوه استفاده می‌شود. دو نوع خل وجود دارد: خل‌پیشه /*xol-piše*/ که برای باز کردن و جادار کردن جلوی گیوه، که برای دست سخت است، به کار می‌رود و خل‌دنه /*xol-dane*/ که برای باز کردن دهنه گیوه استفاده می‌شود.

کنده /*konde*/: وسیله‌ای است که بعد از اتمام ته‌دوزی برای اتو کردن رووار شسته شده استفاده می‌شود.

قالب /qâleb/: باتوجه به نوع گیوه که پیش‌باریک باشد یا پیش‌پهن انواع متفاوت قالب از قبیل قالب، پاشنه‌قالب، نیمه‌قالب و میون‌قالب (میان‌قالب) وجود دارد که برای شکل دادن به گیوه به‌کار می‌رود.

تال /tâl/: به نخ‌ی که برای گیوه‌دوزی به‌کار می‌رود تال گفته می‌شود.

موم /mu:m/: برای نرم کردن و افزایش مقاومت تال استفاده می‌شود

سنگ سو /sang-sow/: سوهانی که برای تیز کردن چاقو و شفره به‌کار می‌برند.

تیرکی /tireki/: تکه‌چرمی است که درون پاشنه قرار می‌گیرد و باعث استحکام و محکم شدن پاشنه می‌شود.

منابع

سرلک، رضا، ۱۳۷۷، «گیوه و گیوه‌کش»، نامه فرهنگستان، ش ۱۶، ص ۷۰-۷۴.
صداقت‌کیش، جمشید، ۱۳۶۵، «تاریخچه صنعت گیوه‌دوزی در ایران»، چیستا، س ۴، ش ۵، ص ۳۳۵-۳۴۶.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۳، ایرانشهر، ج ۲، تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
نیکویی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۴، «کارآفرینی و نوآوری با استفاده از توسعه روند تولید پای‌پوش سنتی (گیوه)»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع، تهران.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی